



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی
وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی،

پایان نامه برای دریافت درجه دکتری در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان:

کاربرد قواعد فقهی در مدیریت و سازمان با تاکید بر آراء و

مبانی امام خمینی (س)

اسناد راهنما:

حضرت آیت الله موسوی بجنوردی

استاد مشاور:

حضرت آیت الله عباسعلی روحانی

پژوهشگر:

ابوطالب خدمتی

شهریور ۱۳۹۲

کلیه حقوق مادی و معنوی این پایان نامه متعلق به پژوهشکده می باشد.

چاپ پایان نامه و استخراج مقاله از پایان نامه باید به نام پژوهشکده، با تأیید استاد راهنما و با مجوز معاونت پژوهشی باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



باسمه تعالی

صور تجلسه دفاع از رساله دکتری

با حمد و سپاس به درگاه خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولیعصر (عج) و با درود و سلام به روان پاک حضرت امام خمینی (س) جلسه دفاع از رساله دکتری

آقای ابوطالب خدمتی دانشجوی رشته فقه و مبانی حقوق و اندیشه امام خمینی (س)

تحت عنوان: «کاربرد قواعد فقهی در مدیریت و سازمان با تأکید بر آراء و مبانی امام خمینی (س)»

در تاریخ ۱۳۹۲/۶/۹ با حضور هیأت داوران در پژوهشکده امام خمینی (س) برگزار گردید و به موجب آیین نامه دفاع از رساله

دکتری، ارزشیابی هیأت داوران به شرح زیر تعیین گردید:

- قبول با درجه **تمجید** امتیاز: ۱۷
 - قبول مشروط با درجه: (با اصلاح) **مورد طرح مجدد** امتیاز:
 - شرح اصلاحات مورد نیاز: **تغییر استرکات در فصلی**
- مردود مرجع تأیید نهایی: **مردود**

توضیح: بنا به مصوبه کمیسیون آموزش و پژوهش پژوهشکده امتیاز پایان نامه‌ها به شرح زیر می‌گردد:

- الف- قابل قبول ۱۵ به بالا
- ۱- قبول با درجه عالی ۱۹-۲۰
- ۲- قبول با درجه بسیار خوب ۱۷-۱۸
- ۳- قبول با درجه خوب ۱۵-۱۶
- ۴- فرست مجدد برای دفاع
- ب- غیر قابل قبول کمتر از ۱۵

اعضای هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
۱- استاد راهنما	حضرت آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی	استاد	
۲- استاد مشاور:	حضرت آیت الله عباسعلی روحانی		
۳- استاد داور:	جناب آقای دکتر سید محمد صادق موسوی		
۴- استاد داور:	جناب آقای دکتر عیسی ولایی		
۵- استاد داور:	سرکار خانم دکتر افتخار دانشپور		

اعضای هیأت داوران: **اعضای هیأت داوران**
 مدیر گروه: **اعضای هیأت داوران**
 نماینده تحصیلات تکمیلی: **اعضای هیأت داوران**
 مدیر تحصیلات تکمیلی: **اعضای هیأت داوران**

تهران: خیابان فردوسی شمالی، ابتدای خیابان شهید تقوی (کوشک) پلاک ۵۳، تلفن ۰۲۱-۶۶۷۴۴۰۹ و ۶۶۷۴۴۰۴-۷، شماره: ۱۱۳۵۹۸۲۵
 وبسایت پرسی: www.rl-khomeini.com، پست الکترونیک: info@ri-khomeini.com، صندوق پستی: ۱۳۷-۱۱۴۵۵، کد پستی: ۱۱۳۵۹۸۲۳۸

چکیده

پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

مقطع تحصیلی: دکتری
رشته تحصیلی: فقه و مبانی حقوق اسلامی
عنوان پایان نامه: کاربرد قواعد فقهی در مدیریت و سازمان با تاکید بر آراء و مبانی امام خمینی (س)
نام و نام خانوادگی دانشجو: ابوطالب خدمتی
استاد راهنما: حضرت آیت الله موسوی بجنوردی
استاد مشاور: حضرت آیت الله عباسعلی روحانی
تاریخ شروع پایان نامه: ۱۳۹۰/۹/۲۰
تاریخ اتمام پایان نامه: ۱۳۹۲/۶/۹
چکیده:
<p>برخی از قواعد فقهی تعامل بیشتری با حوزه سازمان و مدیریت داشته و کاربردهایی آنها در مدیریت، ملموس تر است؛ مثلاً با توجه امانت بودن مدیریت، در صورت افراط و تفریط می توان قاعده علی الید را جاری کرد. همچنین در صورتی که مدیران و کارمندان سازمان، بخشی از اموال و دارایی های سازمان را تلف نمایند، قاعده اتلاف در مورد آنها جاری شده و می توان حکم به ضمان آنها داد. در بسیاری از موارد مدیران در مقام انتخاب قرار می گیرند که باید بهترین گزینه را انتخاب نمایند لیکن جایی که مزیت و مرجحی برای یک گزینه وجود ندارد و دو یا چند گزینه با هم مساویند، می توان از قاعده قرعه استفاده کرد. عمل به قرارداد های سازمانی طبق ادله مختلف، واجب است لیکن گاهی این کار مستلزم عسر و حرج است که با تمسک به قاعده نفی و عسر و حرج می توان گفت که عمل به آنها واجب نیست. اگر مدیر سازمان، کار ناصواب و خلافی را مرتکب می شود بر اساس قاعده حرمت اعانه یر اثم می توان گفت کارکنان حق ندارند او را در این راه یاری دهند و اگر این کار را انجام دهند، مرتکب حرام شده اند.</p>

Degree: Doctorate
Discipline: Figh and Islamic Jurisprudence
Title: The Application of the juridical rules in management and organization with the emphasis on Imam Khomeini's Opinions
Student name: Abootaleb Khedmaty
The supervisor: Ayatollah Musavi Bojnurdi
The Advisor:: Ayatollah Ruhani
Date of thesis begane: 20/9/1390
Date of Defens: 9/6/1392
<p>Abstract</p> <p>Some of juridical rules have more interaction with organization and managerial areas and their applications are more objective in the management for example concerning being trust the management, if excess and negligence has been done, it can be applied the rule of "Alaal-Yad. Similarly, if manager and personnel of the organization destroy some of property of the organization the rule of "wasting" is executed on them and they will be responsible. In the most of cases managers are at the selection conditions that they must select the best option, but where there is no advantage and priority for an option and two or more options are equal, the "lot" rule can be applied. Performing organizational contracts on different proofs is binding, but sometimes this is caused difficult and undesirable conditions that by resorting to negation and distress and constriction rule, it can be said that performing them is not binding. If the manager of an organization commits wrong thing, it can be said that from the rule of contribution inviolability to sin personnel aren't entitled to help him with this way, and if they do this, they have committed forbidden thing.</p>

مرحله التحصيل: الدكتري
مجال التخصص: الفقه و مباني الحقوق الاسلامي
عنوان الرسالة: تطبيق القواعد الفقيهيه في المنظمة و الادارة مع الاشارة الى مباني الامام خميني(س)
اسم الطالب: ابوطالب خدمتي
الاستاذ المساعد: آيت الله موسوي بجنوردي
الاستاذ المشاور: آيت الله عباسعلي روحاني
تاريخ شروع الرسالة: ۱۳۹۰/۹/۲۰
تاريخ انتهاء الرسالة: ۱۳۹۲/۶/۹
ملخص: <p>بعض من القواعد الفقيهيه تكون في معاملته و علاقه اكثر مع المنظمة و الادارة و يعتبر تطبيقها في الادارة اكثر ملموسا مما سواه. على سبيل مثال نظرا إلى كون الادارة أمانة، في حالة الافراط أو التفريط يمكن أن تجرى قاعده على اليد و كذلك إن يضيع رؤسا و موظفي المنظمة قسما من اموال المنظمة، تجرى قاعده الائتلاف فيهم و يمكن أن يحكم على ضمانهم. في اكثر المواقع لابد للرؤسا من الانتخاب و عليهم أن انتخب افضل الانتخاب لكن حيث كل الخيارات تكون سيان عنده و لا يوجد لأحد منها مزيه يمكن أن يستفيد من قاعده القرعة. العمل باتفاقيات المنظمة واجب على اساس ادلة مختلفه لكن هذا الامر قد يستلزم العسر و الحرج و نظرا إلى قاعده النفي والعسر و الحرج يمكن أن يقول العمل بها ليس واجب. إن يرتكب رئيس المنظمة جرما يكمن أن يقول على اساس قاعده حرمة الاعانة على الاثم: لا ينبغي للموظفين أن يساعدونه في هذا الامر و إن يفعل ذلك، يرتكبون حراما.</p>

فهرست اجمالی

مقدمه:	۱
بخش اول: فقه و قواعد فقهی	
فصل اول: قواعد فقهی	۷
فصل دوم: فقه و علوم انسانی	۱۱
فصل سوم: فقه و مدیریت	۱۹
بخش دوم: آشنایی با مدیریت	
فصل اول: کلیات	۲۴
فصل دوم: اصول و مبانی مدیریت	۲۷
فصل سوم: رفتار سازمانی	۵۰
فصل چهارم: مدیریت منابع انسانی	۶۶
بخش سوم: قواعد فقهی تاثیرگذار در سازمان و مدیریت	
فصل اول: قاعده ضمان ید و کاربردهای سازمانی آنها	۷۲
فصل دوم: قاعده قرعه و کاربردهای آن در سازمان و مدیریت	۹۴
فصل سوم: قاعده اتلاف و کاربردهای مدیریتی آن	۱۱۲
فصل چهارم: قاعده نفی عسر و حرج و کاربرد مدیریتی	۱۲۷
فصل پنجم: قاعده حرمت اعانه بر اثم و عدوان و کاربرد مدیریتی	۱۴۶

فهرست تفصیلی

مقدمه:	۱
فصل اول: قواعد فقهی	۷
۱- معنای لغوی قاعده	۷
۲- معنای اصطلاحی قاعده	۷
۳- معنای قاعده فقهی	۸
۴- سیر تکاملی قواعد فقهی	۸
فصل دوم: فقه و علوم انسانی	۱۱
۱- تعریف علوم انسانی	۱۵
۲- تعامل فقه و علوم انسانی	۱۸
فصل سوم: فقه و مدیریت	۱۹
۱- تعریف فقه الاداره	۱۹
۲- موضوع فقه الاداره	۱۹
۳- ضرورت فقه الاداره	۲۰
۴- تأثیر متقابل فقه و مدیریت	۲۰
الف- تأثیر مدیریت بر فقه:	۲۰
ب- تأثیر فقه بر مدیریت:	۲۰
فصل اول: کلیات	۲۴
۱- اهمیت مدیریت :	۲۴
۲- مکتب کلاسیک	۲۴
۳- مکتب نئوکلاسیک (روابط انسانی)	۲۵
۴- مکتب اقتضایی	۲۵
۵- مکتب سیستمهای اجتماعی	۲۶

۲۶	۶- مکتب نوگرایی
۲۷	فصل دوم: اصول و مبانی مدیریت
۲۷	۱- برنامه ریزی
۲۸	۲- تصمیم گیری
۳۱	۲- سازماندهی
۳۳	۴- رهبری
۴۳	۵- ارتباطات
۴۷	۶- انگیزش
۴۸	۷- کنترل و نظارت
۵۰	فصل سوم: رفتار سازمانی
۵۳	۱- مبانی رفتار فرد
۵۵	۲- تصمیم گیری فردی
۶۲	۳- مبنای رفتار گروه
۶۴	۴- ارتباطات
۶۶	فصل چهارم: مدیریت منابع انسانی
۶۶	۱ - تجزیه و تحلیل شغل و طراحی مشاغل
۶۶	۲ - برنامه ریزی نیروی انسانی
۶۷	۳ - کارمندیابی
۷۲	فصل اول: قاعده ضمان ید و کاربردهای سازمانی آنها
۷۲	تفاوت قاعده ضمان ید و قاعده ید
۷۳	مدارک و مستندات قاعده:
۸۰	<u>حقیقت ضمان</u>
۸۱	<u>مفهوم ید</u>

۸۶	مراد از مأخوذ
۸۶	مقصود از آداء
۸۷	جریان قاعده در منافع
۸۹	شمول قاعده نسبت به انسان
۸۹	جریان قاعده در فضای سازمان و مدیریت:
۹۴	فصل دوم: قاعده قرعه و کاربردهای آن در سازمان و مدیریت
۹۴	معنای لغوی قرعه
۹۴	مدارک و مستندات قاعده
۱۰۵	مصادیق موارد تمسک به قاعده‌ی قرعه
۱۰۶	جریان قرعه در تمامی شبهات
۱۱۰	کاربردهای قاعده در سازمان:
۱۱۲	فصل سوم: قاعده اتلاف و کاربردهای مدیریتی آن
۱۱۲	مدارک قاعده
۱۱۵	مفهوم قاعده اتلاف
۱۱۷	موارد تطبیق قاعده اتلاف
۱۲۲	فروع قاعده اتلاف
۱۲۵	کاربرد های قاعده اتلاف در سازمان
۱۲۷	فصل چهارم: قاعده نفی عسر و حرج و کاربرد مدیریتی
۱۲۷	مفهوم عسر و حرج
۱۲۷	رابطه عسر و حرج
۱۲۸	مدارک و مستندات قاعده
۱۳۲	دلالت قاعده
۱۳۲	قلمرو قاعده نفی عسر و حرج
۱۳۸	تنبيهات قاعده
۱۴۴	کاربرد در سازمان:
۱۴۶	فصل پنجم: قاعده حرمت اعانه بر اثم و عدوان و کاربرد مدیریتی

۱۴۶	مدارک و مستندات قاعده
۱۴۸	معنای لغوی و فقهی معاونت
۱۵۰	معنای لغوی و اصطلاحی اثم
۱۵۰	معنای لغوی و اصطلاحی عدوان
۱۵۴	مصادیق معاونت در جرم
۱۵۵	وجوه افتراق و اشتراک معاونت و تسبیب در جرم
۱۵۹	معاونت در معاملات نامشروع در فقه
۱۶۲	مصادیق معاونت در گناه:
۱۶۴	کاربردهای مدیریتی:

مقدمه:

اسلام یک دین جاودانی و جهان شمول است زیرا قرآن رسالت پیامبر اسلام را برای تمام جهانیان بیان کرد. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: (إِنَّهُ هُوَ إِلَّا ذِكْرَىٰ لِلْعَالَمِينَ) (انعام. ۹۰) و در آیات متعددی از قرآن هدف بعثت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و نزول قرآن، هدایت ناس به معنای عموم مردم جهان ذکر شده است.

خداوند متعال در جای دیگر می فرماید: (كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ) (ابراهیم. ۱) این کتابی است که به تو نازل کرده ایم تا همه مردم را از تاریکی‌ها (ظلمات، جهل و کفر و گناه) به سوی نور خارج کنیم. و در آیه ۷۹ سوره نساء می فرماید: (وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا) ما تو را به سوی تمام مردم مبعوث کردیم.

از نظر جاودانه بودن هم می توان به آیات مربوط به خاتمیت استناد کرد، از جمله آیه ای که صریحا این مطلب را بازگو می کند که خداوند متعال می فرماید: (مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ) (احزاب. ۴۰)

با توجه به این دو موضوع، ضرورت و لزوم پرداختن به مسائل مستحدثه در فقه اسلامی بیشتر روشن می شود زیرا از یک سو گسترش اسلام به مناطق مختلف جهان سؤالاتی را به وجود می آورد از جمله اینکه در مناطق قطبی یا نزدیک به قطب و بالای مدار ۶۷ درجه که شب ها و روزهای بسیار طولانی دارد نماز و روزه چگونه باید انجام شود؟ و در مناطقی که فاصله آن از مکه از چهار طرف یا دو طرف یا سه طرف یکسان است چگونه باید قبله را رعایت کرد؟ و اگر مسافرت های فضایی را در نظر بگیریم تکلیف نماز و روزه در فضا چه می شود؟

از سوی دیگر با گذشت زمان مسائلی مطرح شده است که در گذشته وجود نداشت. پیوند اعضای بدن انسانها به یکدیگر، مخصوصا خرید و فروش اعضا برای پیوند در سابق وجود نداشت، اما در عصر ما یکی از ضرورتهاست و باید حکم فقهی آن روشن شود.

استفاده از اعضای کسانی که مبتلا به مرگ مغزی شده اند و تشریح بدن مسلمانان در جایی که ضرورت داشته باشد همه از مسائل نوظهور است. در گستره تجارت جهانی بسیاری از معادلات اینترنتی و خرید و فروش های هر می و انواع شرکت های نوظهور مطرح است. در مسائل مربوط به قصاص، جواز پیوند عضو قطع شده یا عدم جواز آن مطرح می باشد. اینها و صدها مسائل دیگر در

عبادات، معاملات، اجارات، حدود و قصاص اسلامی، نیاز به پاسخ روشن دارد به همین دلیل مسائل مستحدثه در میان تمام فقهای اسلام امروز مطرح شده است.

نکته دیگری که در اینجا باید به آن توجه کرد پاسخ به این سوال است، اگر این مسائل در محدوده کشور اسلام در گذشته وجود نداشته و در عصر و زمان ما یا مناطق دوردستی که اسلام اکنون به آنجا پا گذاشته است مطرح نبوده، چگونه می توان احکام آن را از کتاب و سنت دریافت؟ پاسخ این سوال با توجه به یک اصل اساسی روشن می شود و آن اینکه در منابع اسلامی یعنی کتاب و سنت، قواعد و اصول کلی وجود دارد که از آنها می توان پاسخ هر حکم مساله مستحدثه ای را پیدا کرد.

مثلاً وقتی که قرآن می فرماید: (یا ایها الذین آمنوا أوفوا بالعقود) ای کسانی که ایمان به خدا دارید نسبت به قراردادهای خود وفادار باشید. این حکم تمام قراردادهایی را که در گذشته و حال بوده یا خواهد بود را شامل می شود. تمام قراردادهایی که شرایط کلی معاملات را از قبیل عقل و اختیار و علم به موضوع و معین بودن تمام جهات قرار داد و موجب ضرر و زیان و فساد نبودن در آن جمع باشد مشمول این اصل کلی می باشد.

قاعده لا ضرر، لاضرر. الناس مسلطون علی اموالهم، ان الله اذا حرم شیئا حرم ثمنه و الوقوف علی حسب مایوقفها اهلها و امثال این قواعد کلید حلی است برای تمام مسائل مستحدثه و نوظهور که در زمان گذشته وجود نداشته اند و به صورت صریح، حکم آنها بیان نشده است. وجود این اصول کلی و قواعد فراگیر یکی از نشانه های جاودانگی و جهان شمول بودن اسلام می باشد که می تواند در هر عصر و زمان و در هر منطقه و مکان، جوابگوی تمام نیازهای فقهی مردم جهان بوده باشد.

وظیفه فقه بیان احکام مکلفین است و فقها خود را موظف به انجام این تکلیف مهم می دانند تا به نیازهای مکلفین پاسخ دهند؛ البته مکلفین تنها اشخاص حقیقی نیستند بلکه اشخاص حقوقی نیز به نوعی مکلفند و همانطور که اشخاص حقیقی نیاز به حکم شرعی دارند اشخاص حقوقی هم در تعامل با یکدیگر، در تعامل با اشخاص حقیقی و در موارد دیگر نیازمند حکم شرعی هستند تا بتوانند نیازهای خود را برآورده کنند.

پس فقها جهت پاسخگویی به نیاز اشخاص حقوقی نیز باید قواعد، اصول، قوانین و مقرراتی را تدوین کنند تا این اشخاص نیز بتوانند بر اساس آنها نیازهای خود را پاسخ دهند. با توجه به ظهور سازمان های مختلف و گسترش روز افزون آنها، که از ویژگی های بارز تمدن بشری است؛ فقها باید احکام سازمان و مدیریت را نیز به عنوان اشخاص حقیقی از منابع فقه استخراج کرده و ارائه دهند.

فقها جهت پاسخگویی به نیاز مکلفین گاهی خود حکم را استنباط می کنند و گاهی قاعده ای کلی را از منابع استخراج و برای تطبیق موضوعات جزئی به دست مکلفین می دهند تا حکم موضوعات متعدد از آن قاعده به دست آید. روش دوم همان تبیین قواعد فقهی است زیرا قاعده فقهی، حکمی کلی است که با ادله شرعی اثبات شده و با تطبیق بر جزئیات خود حکم شرعی آنها را آشکار می نماید.

با عنایت به تغییر زمان و به وجود آمدن موضوعات جدید، بهترین روش برای پاسخگویی به این گونه از مسائل و موضوعات، تأسیس کلیات، قواعد و اصولی کلی است که به تناسب زمان و مکان، بتواند پاسخگوی مسائل مستحدثه و حوادث جدید باشد و احکام آنها را استنباط و به مکلفین و ارائه دهد. بسیاری از مسائل و موضوعات مدیریت و سازمان نیز مسائل مستحدثه و موضوعات جدید است.

این مسئله و نیز امتیازات قواعد فقهی مانند؛ دستیابی سریع و آسان مکلف به حکم شرعی، پاسخگویی به مسائل فقهی متعدد با تأسیس یک قاعده، و... باعث شده است که بتوان چنین نتیجه گرفت که بهترین روش برای دستیابی سریع، به موقع و مناسب به حکم شرعی در حوزه مدیریت و سازمان، استفاده از قواعد فقهی در این حوزه (قواعد فقه اداری) است.

بنابراین قواعد فقه اداری آن دسته از قواعد فقهی است که در مباحث فقهی مدیریت و سازمان (فقه الاداره) به کار می آیند. این مهم به دلایل مختلف مورد غفلت قرار گرفته و مسائل مختلفی در حوزه سازمان و مدیریت بی جواب مانده است لذا این پژوهش شکل می گیرد تا انشاءالله بخشی از این نیاز را پوشش دهد.

سوالات پژوهش:

در این پژوهش تلاش می شود به سوالات مختلف در مورد تعامل میان قواعد فقهی و سازمان و مدیریت پاسخ داده شود. برخی از سوالات مطرح در این زمینه که در این تحقیق به آنها پرداخته خواهد شد، عبارتند از:

۱- آیا قواعد فقهی می توانند در حوزه مسائل مدیریت و سازمان نقش و کاربردی داشته باشند؟

۲- کدام یک از قواعد فقهی نقش و کاربرد بیشتری در مسائل مدیریت و سازمان دارد؟

۳- تاثیر و کاربرد قواعد فقهی در مسائل مدیریت و سازمان چیست؟

ظهور سازمان‌های مختلف و گسترش روز افزون آنها و تأثیر مستقیم زندگی سازمانی بر شخصیت و سرنوشت افراد جامعه، باعث شده است که فقها موظف باشند که احکام سازمان و مدیریت را نیز به عنوان اشخاص حقوقی از منابع فقه استخراج کرده و ارائه دهند تا اعضای سازمان

در جامعه اسلامی، تکلیف شرعی خود را در زندگی کاری تشخیص داده و احکام و موازین اسلامی در روابط و مناسبات سازمانی را مراعات نمایند.

علاوه بر اینکه در سیستم های اداری در جوامع اسلامی به ویژه نظام مقدس جمهوری اسلامی، زمینه سازی برای اجرای احکام شرعی در نهادها، سازمان ها و مؤسسات دولتی و غیر دولتی یک مطالبه به حقی است که باید مبانی نظری آن به درستی تبیین و ارائه شود و مقدمات آن مهیا گردد. بنابراین هدف اصلی این تحقیق، بررسی تعامل میان مسائل مدیریت و سازمان با قواعد فقهی بوده و تلاش می کند تاثیرات و کاربردهای برخی از قواعد فقهی در مسائل مختلف مدیریت و سازمان را شناسایی و ارائه نماید.

فرضیه پژوهش:

فرضیه این پژوهش، این است که جامعیت و پویایی فقه شیعه اقتضا می کند که این منبع غنی و سرشار، پاسخگوی بسیاری از مسائل و مشکلات مدیریت و سازمان باشد و بسیاری از قواعد فقهی که در ابواب مختلف فقه مورد استفاده قرار می گیرند در حوزه مسائل مدیریت و سازمان نیز کاربرد دارند می توانند جواب بسیاری از مسائل و مشکلات حوزه مسائل مدیریت و سازمان را ارائه نمایند. شاید بتوان قواعد جدیدی نیز از منابع استخراج و یا اصطیاد کرد. البته کشف قاعده جدید یک امر لازم و ضروری نیست، بلکه کشاندن قواعدی که در دیگر عرصه های اقتصادی، قضایی، سیاسی و... مورد استفاده قرار می گرفته به عرصه مدیریت و سازمان نیز مغتنم بوده و می تواند بسیاری از مسائل این حوزه را پوشش دهد و موجب شود که موضوعات اداری در اسرع وقت حکم شرعی خود را بیابند.

در این تحقیق ابتدا در بخش اول تلاش می شود تا به صورت اجمالی، قواعد فقهی تبیین شود و جوانب مختلف آن مورد بررسی گردد و ارتباط قواعد فقهی با علوم انسانی به صورت عام و علم مدیریت به صورت خاص توضیح داده شود. در بخش دوم علم مدیریت در چهار فصل به اختصار توضیح داده شده و مسائل مختلف مرتبط با آن تبیین شده است؛ و در نهایت در بخش سوم نقش و کاربرد قواعد فقهی در حوزه مسائل مدیریت و سازمان مورد بررسی قرار میگیرد تا مشخص شود که کدام یک از قواعد فقهی نقش و کاربرد بیشتری در مسائل مدیریت و سازمان دارد و تاثیر و کاربرد قواعد فقهی در چه بخشی از مسائل سازمان بیشتر و ملموس تر است.

پیشینه تحقیق:

قواعد فقه اداری تا کنون چندان مورد توجه پژوهشگران و محققین واقع نشده و تا به امروز اثر پژوهشی مستقل و قابل قبولی ارائه نشده است؛ بالطبع این موضوع از نظر پیشینه تحقیق، فقیر بوده و پژوهش معتابهی در مورد قواعد فقه اداری و کاربردهای قواعد فقهی در حوزه سازمان و مدیریت انجام نشده است.

البته مرحوم سید محمد حسینی شیرازی در موسوعه فقهی خویش دو جلد (ج ۱۰۳ و ۱۰۴) را به مباحث مدیریتی پرداخته است. به نظر می رسد روش بحث ایشان، اصطیاد قواعد اداری از ادله اربعه است، که قابل تطبیق بر مصادیق خود هستند. به عنوان مثال یک قاعده کلی از روایت نبوی استخراج می شود: (غبن المسترسل سحت) یعنی، فریب کارمند حرام است این قاعده مصداقی دارد مانند اینکه باید با کارمند منصفانه و عادلانه برخورد کرد.

نویسنده محترم این کتاب علاوه بر فقه الاداره در جلد های دیگر به فقه الجامعه، فقه السیاسه، فقه التریبه و سایر فقه های متناسب با علوم انسانی با همین سبک پرداخته است و نشان می دهد که با رویکرد فقه جواهری چگونه می توان علوم انسانی را در یک نظام شرعی باز تولید کرد.

بخش اول:

فقه و قواعد فقهی

فصل اول: قواعد فقهی

منظور از قواعد فقه، اصول و قواعدی است که برای به دست آوردن احکام شرعی از آنها استفاده می‌شود، به عبارت دیگر قواعد فقه، اصول و قواعد کلی است که در بردارنده احکام کلی فقهی هستند و می‌توان موارد جزئی را از آن بدست آورد. توجه به قاعده فقهی می‌تواند گستره وسیعی را در پاسخگویی فقه ایجاد کند. اهمیت قواعد فقه از این نظر است که امروزه سرعت پیدایش مسائل مستحدثه زیاد است و به همین دلیل فقها باید قواعد کلی را استنباط کنند تا از طریق این قواعد بتوانند پاسخگوی مسائل باشند.

معنای لغوی قاعده

«قاعده» در لغت به معنای اساس، زیر ساز، موارد حسی و ریشه است و به این تناسب، ستون‌های خانه را «قواعد» می‌گویند. طریحی در مجمع البحرین می‌نویسد: القواعد جمع القاعده و هی الأساس لما فوقه (طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۲۹)؛ قواعد جمع قاعده به معنای بنیان و پایه برای چیزی است که در بالای آن قرار دارد.

جوهری و احمد بن فارس و خلیل بن احمد فراهیدی، نیز قواعد را به همین معنا گرفته و به قواعد البیت که به معنای اساس و پایه های خانه است، اشاره کرده اند. (جوهری، ابی نصر اسماعیل بن حماد، الصحاح، ج ۱، ص ۴۴۳ و احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج ۵، ص ۱۰۹) خلیل بن احمد فراهیدی، می‌نویسد: القواعد اساس البیت (فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۳، ص ۱۰). چنان که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: واذ یرفع ابراهیم القواعد من البیت و اسمعیل ربنا تقبل منا انک انت السميع العليم (بقره آیه ۱۲۷) و آن هنگامی که ابراهیم و اسماعیل بنیان‌های خانه (خدا) را بر می‌افراشتند (گفتند) پروردگارا (این کار را) از ما بپذیر، همانا تو شنوا و دانا هستی.

قاعده علاوه بر آن که در امور مادی مانند بنیان‌های ساختمان به کار گرفته شده، در برخی امور معنوی نیز که جنبه اساسی و زیربنایی دارد استعمال شده است؛ مانند قواعد اخلاقی، قواعد اسلامی و قواعد علمی. به‌طور کلی به مسائل بنیادی هر علمی که حکم بسیاری از مسائل دیگر به آن‌ها توقف دارد، قواعد آن علم گویند.

معنای اصطلاحی قاعده

در اصطلاح برای قاعده معانی مختلفی را آورده اند: از جمله اینکه قاعده، قضیه ای کلی است که تمام جزئیات را در بر می‌گیرد؛ یا اینکه قاعده قضیه ای کلی است که بالقوه می‌تواند دارای زیر

مجموعه های مختلفی در طول زمان بشود. پس در مجموع می توان گفت که: قاعده یک عنوان کلی است که امر شناخت احکام جزئیات زیر مجموعه ی آن عنوان را برای ما تسهیل می کند. تهنوی در تبیین معنای اصطلاحی قاعده می نویسد: آنها امر کلی منطبق علی جمیع جزئیات عند تصرف احکامها منه (تهنوی، کشف اصطلاحات الفنون، ج ۵، ص ۱۱۷۶ و ۱۱۷۷)؛ قاعده امری است کلی که در هنگام شناسایی احکام جزئیات از آن، بر تمامی جزئیات خود منطبق باشد.

معنای قاعده فقهی

در تعریف قواعد فقهی میان فقیهان اتفاق نظری وجود ندارد، و هر یک از تعاریف به یکی از جنبه های تمایز قاعده فقهی با سایر قواعد اشاره دارد، که در ذیل برخی از آنها را بیان می کنیم: برخی در تعریف قاعده فقهی گفته اند: آنها قواعد تقع فی طریق استفاده الاحکام الشرعیة الالهیة و لا یکون ذلک من باب الاستنباط و التوسیط بل من باب التطبيق (محمد اسحاق فیاض، محاضرات فی اصول الفقه (تقریرات درس آیة الله سید ابوالقاسم خوئی)، ج ۱، ص ۸). قواعد فقهی قواعدی است که در راه به دست آوردن احکام شرعی الهی واقع می شوند، ولی این استفاده از باب استنباط و توسیط نبوده بلکه از باب تطبیق است. بعضی دیگر آن را چنین تعریف می کنند: اصول فقهیة کلیة فی نصوص موجزة دستوریة تتضمن احکاما تشریعیة عامه فی الحوادث التي تدخل تحت موضوعها (مصطفی زرقاء، المدخل الفقهی العام، ج ۲، ص ۹۴)؛ قواعد فقهی، اصول فقهی کلی است با عبارتهای کوتاه و اساسی که شامل می شود احکام تشریحی عام را در حوادثی که در موضوعات آنها داخل است. فقهای معاصر نیز در تعریف قاعده فقهی گفته اند: قاعده فقهی حکم کلی فقهی است که منشا استنباط قوانین یا احکام جزئی تر واقع می شود و یا در ابواب مختلف فقهی بکار می رود. (مکارم شیرازی، ناصر؛ القواعد الفقهیة؛ ص ۲۰)

سیر تکاملی قواعد فقهی

هر چند قواعد فقهی در اولین دوره پیدایش خود، به همراه احکام جزئی و به صورت ناشناخته برای مردم ارائه می شد ولی در عین حال، حجم گسترده ای از متون منبع و مرجع را به خود اختصاص داد؛ و اولین روزهای ظهور اسلام، حجم گسترده ای از قواعد و لو به صورت ناشناخته برای آن زمان تولید شد.

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) تبیین فقه و ارائه احکام الهی را با این رویکرد آغاز نمود و در موارد بسیاری تلاش کرد، به جای بیان احکام جزئی، موارد گوناگونی را که از نظر حکم، متحد هستند؛ با عباراتی گویا بیان کند و به عبارت دیگر قواعد فقهی را بیان نماید.